نیروی انسانی - اشتغال: اصلاح ساختاری دولت ها

آیا دولتها می‏توانند با افزایش‏ حقوق کارکنان خود،فساد را کاهش‏ دهند.در مقالهء زیر که برگرفته‏ای از نشریهء اکونومیست مورخ اوت 1997 است،این معضل به بحث گرفته‏ می‏شود.

فساد در دولتها یک مشکل دیرینه‏ است،ولی برای اقتصاددانانی که با رشد اقتصادی سروکار دارند این مشکل یک‏ موضوع جدید برای بررسی به شمار می‏آید.در طول سال گذشته،سازمانهایی‏ مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی‏ پول این موضوع را که فساد می‏تواند مانع‏ سرمایه‏گذاری و عقب افتادن رشد شود مورد بحث و بررسی قرار داده‏اند.اخیرا صندوق بین المللی پول وام 220 میلیون‏ دلاری کنیا را به بهانهء تنبیه دولت برای‏ عدم موفقیت در ریشه‏کن کردن‏ رشوه‏خواری و اختلاس به تعلیق درآورده‏ است.براساس سیاست جید این‏ صندوق،در آینده اگر ضعف دولتها باعث‏ به خطر افتادن اقتصاد کلان شود،این‏ کمکها به تعلیق یا تعویق خواهد افتاد.

این پرسش مطرح می‏شود که دولتها چگونه می‏توانند ضعف حکومتی خود را از بین ببرند؟یکی از راه‏حلها برای‏ کشورهای فقیر افزایش حقوق کارکنان‏ کشوری است.کارمندان و مأموران پلیس‏ که درآمدشان 50 دلار در ماه باشد- براساس بررسی سازمانهای پیشگفته- هیچ راهی جز گرفتن رشوه برای امرار معاش خانواده‏هایشان ندارند.اگر دولتها به کارکنان رسمی خود حقوق بیشتری‏ بپردازند،این افراد دیگر نیاز به تامین‏ کسری مالی خود از طریق راههای‏ نامشروع ندارند.

عقیده بر اینست که کارکنان دولت به‏ خاطر نیازشان به سوی فساد کشیده‏ می‏شوند.حرص و طمع نیز ممکن است‏ آنها را به این راه بکشاند.تعادل بین این‏ انگیزه‏ها باعث می‏شود تا میزان افزایش‏ حقوق آنها،به منظور کاهش فساد، مشخص می‏شود.اخیرا دو اقتصاددان‏ صندوق بین المللی پول تلاش می‏کنند تا این پیچیدگیها را مورد بررسی قرار دهند. یکی از نتایج شگفت‏آور بررسی آنها اینست که اگرچه افزایش دستمزد کارکنان دولتی ممکن است فساد را کاهش دهد،ولی احتمالا مزایای این کار بسیار کمتر از هزینه‏های اضافه می‏باشد.

ارزیابی تخلفات اداری

تعیین میزان هزینه و منافع این کار دشوار است،در نتیجه پژوهشگران از یک‏ شاخص فساد چند ملیتی که توسط شرکتی به نام‏"پولیتیکال ریسک‏ سرویسز"ارائه شده استفاده کرده‏اند.این‏ شاخص بر مبنای نظریهء بازرگانی شکل‏ گرفته و سطح رشوه به مقامهای بلندپایه‏ دولتی تا کارکنان معمولی را در برمی‏گیرد. البته،نویسندگان از افشای نحوهء رده‏بندی‏ کشورها در شاخص فساد خودداری‏ کرده‏اند،مبادا که صندوق بین المللی پول‏ متهم به برچسب زدن به برخی از اعضای‏ خود شود.

اقتصاددانان سپس دستمزدهای‏ دیوانسالاران 25 کشور در حال توسعه را از لحاظ نسبت دستمزدهای دولتی به‏ دستمزدهای واحدهای تولیدی رده‏بندی‏ کردند.

بدین ترتیب یک برآورد تقریبی از اختلاف میان پاداش کارگران در بخشهای‏ خصوصی و دولتی به دست می‏آید.

البته نتایج این بررسیها کاملا قابل‏ اعتماد نیست.ولی واقعیت امیدوارکننده‏ اینست که فساد در کشورهایی که حقوق‏ کارکنان دولتی نسبت به سایر کارگران‏ بیشتر است کمتر دیده می‏شود. اقتصاددانان صندوق بین المللی پول قویا بر این باورند که افزایش حقوق کارکنان‏ دولتی از صددرصد به دویست درصد نسبت به دستمزد واحدهای تولیدی‏ می‏تواند شاخص فساد را تا یک واحد کاهش دهد.این کاهش یک پیشرفت‏ عمده محسوب می‏شود،به‏طوری‏که‏ می‏تواند میزان فساد در چین را به سطح‏ هنک‏کنگ یا فساد در آرژانتین را تا سطح‏ اسپانیا پایین بیاورد.

با این وجود این رابطهء آماری بدان‏ معنی نیست که دولتها صرفا با افزایش‏ حقوق می‏توانند فساد را کاهش دهند. برای مثال،میزان حقوق کارکنان دولتی در السالوادور نسبت به میانگین حقوق‏ کارگران کارخانه‏ها بسیار بیشتر است،ولی‏ هنوز در انتهای رده‏بندی شاخص فساد قرار دارد.

به علاوه،پرداخت حقوق مکفی به‏ کارکنان دولتی برای تشویق آنها به‏ نگرفتن رشوه و موارد مشابه به خودی خود پرهزینه است.براساس برآورد اقتصاددانان صندوق پیشگفته،حقوقهای‏ دولتی باید بین 8/2 تا 4/7 برابر دستمزد کارگران کارخانه‏ای باشد-که البته به‏ عوامل دیگر نیز در هر کشور بستگی‏ دارد-تا بتواند فساد را پایین بیاورد.در برخی از کشورها این رقم باید به 3 تا 4 برابر برسد.سنگاپور در"شاخص فساد" بهترین رده‏بندی را دارد،ولی این کشور در میان 25 کشور نمونه تنها کشوری است که‏ حقوق کارکنان دولتی‏اش بیش از دو برابر میانگین حقوق کارگران واحدهای تولیدی‏ است.

میانگین دستمزد\*کارکنان دولتی در کشورهای در حال توسعه

\*دستمزد بخش عمومی نسبت به بخش تولید کارخانه‏ای

منبع:اقتصاددانان صندوق بین المللی پول

فساد زیاد ممکن است درآمد مالیاتی‏ دولت را کاهش دهد،در نتیجه میزان‏ حقوقی را که باید به کارکنان خود بپردازد محدود کند.شاید هم برخی دولتها به‏ طوری عمدی حقوقها را پایین‏ نگهمیدارند،زیرا بر این تصورند که‏ بازرسان گمرکی و پلیس و کارکنان‏ راهنمایی و رانندگی کمبود حقوق خود را جبران خواهند کرد.

اگرچه باید تردید داشت که حقوق‏ پایین باعث می‏شود تا مقامهای رسمی‏ دولتی در پی درآمد اضافه باشند،ولی‏ ترسیم یک رابطهء قوی بین این دو بسیار دشوار است.در پی بررسیهای 12 ساله که‏ توسط اقتصاددانان صندوق بین المللی‏ پول از کشورهای گوناگون به عمل آمد مشخص شد که تغییر حقوق بخش‏ عمومی هیچ‏گونه تأثیر مهمی در میزان‏ فساد(گزارش شده)نداشته است.

اقتصاددانان بر این باورند که این امر احتمالا به این خاطر بوده است که سطح‏ نسبی حقوقها در طول 12 سال مزبور به‏ اندازهء کافی نبوده است که بتواند شاخص‏ فساد را تغییر دهد.به خاطر داشته باشید که در این بررسی استدلال شده است که‏ حقوق کارکنان دولت باید دو برابر شود تا بتواند شاخص فساد یک کشور را تا یک‏ واحد کاهش دهد.

با این حال،هنوز سودمند بودن افزایش‏ حقوق مقامهای رسمی جای سئوال دارد آن نوع فسادی که بیشترین آسیبها را به‏ رشد اقتصادی یک کشور می‏زند رشوه‏خواریهای جزیی نیست،بلکه‏ دزدیهای عظیم وجوه دولتی توسط سیاستمداران رشوه‏خوار و اطرافیان‏ نزدیک آنهاست.مشکل بتوان باور کرد که‏ فساد در این سطح تحت تأثیر جدی‏ میزان حقوق مقامهای رسمی قرار دارد.و آن زمان که کارکنان دون پایهء دولتی‏ شاهد دزدی کلان رؤسای خود باشند، دیگر نمی‏توان فساد جزیی را هم کنترل‏ کرد.